

تذکره میرزا طاهر نصر آبادی

در قرن دهم و یازدهم هجری که بر اثر توجه و تشویق سلاطین صفویه دیگر بار رونق بازار شعر و شاعری آغاز گشت و علوم و فنون در مرحله ترقی گام نهاد دانشمندان تألیفات بسیاری نمودند که نظایر آن بعد از قترت مغول کمتر دیده شده است .

کتابی که در احوال مشاهیر شعرا از این زمان باقی می باشد مانند ترجمه سامی . عرفات العاشقین . تذکره الشعراء صادقی بیگ . مجمع الشعراء قاضی میر احمد قمی . خلاصه الاشعار . لطایف الخیال . هفت اقلیم . تذکره الشعراء ناظم تبریزی . تذکره میخانه و بیتخانه . تذکره نصرآبادی . برای ثبوت دعوی ما کافی و رواج شعر و شاعری را در این دوره بخوبی نشان میدهد .

در این عهد شعرا پاداش آیات نغز صلوات و جوایز وافر اخذ می نمودند چنانکه شاه عباس در سنه ۱۰۰۱ مولانا شانی تکلورا بصله این بیت (اگر دشمن کشد ساغر و گر دوست . بطق ابروی مردانه اوست) که در منقبت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است همسنگ زر بخشید اما در این زمان متأسفانه شعراء کمتر متوجه طرز سخن متقدمین بوده و بیشتر با سلوب ملال آور هندی معمول آن زمان شعر میسرودند و اسلوب مذکور از حیث الفاظ و معانی چندان پسندیده و مطبوع نیست و برای نمونه و اثبات مدعا باین بیت اکتفا می رود .

اگر نه مد بسم الله بودی تاج عنوانها نکشتی تاقیامت نو خط شیرازه دیوانها

اگر دیوان میرزا طاهر وحید قزوینی را که از نود هزار بیت متجاوز است فحوص نمائیم شاید در آن نود بیت نغز نیابیم .
امام مؤلف تذکره نصرآبادی محمد طاهر با آنکه بسببک هندی شعر می سروده است در انتخاب اشعار معاصرین خود حسن انتخاب ابراز و ایاتی که از آنان نقل نموده تا اندازه شیرین و دلپذیر میباشد .

تذکره نصرآبادی حاوی شرح حال و منتخب اشعار نهمصد نفر کما بیش از شعرای مآنه یازده هجری و بعد علاوه دارای فصای چند در تواریخ و القازو معنیات میباشد .

این تذکره بنام صفی میرزا معروف بشاه سلیمان صفوی فرزند شاه عباس ثانی در سنه ۱۰۸۳ شروع و به عبارتی فصیح و انشائی دلپذیر تألیف شده است .

شاه سلیمان در سنه ۱۰۷۸ پس از قوت شاه عباس ثانی بسطنت رسید و بیست و هشت سال و کسری در ایران بفرغت و کامرانی سلطنت کرده در سال ۱۱۰۰ وفات یافت و در زمان سلطنت وی نادر آغائله و فتنه روی داد و تا اواخر سلطنت این پادشاه یعنی تا آغاز سلطنت شاه سلطان حسین فرزند وی که هنوز نکبت سلطنت صفویه بروز نکرده بود بازار شعر و شاعری همچنان رواج داشت .

در زمان سلطنت شاه سلطان حسین که یکبار مملکت رو با انحطاط نهاد و آثار و علائم زوال پدیدار گردید آنگونه مملکت دوچار هرج و مرج و انقلاب شد که دیگر کسی را مجال شعر خواندن و شنیدن نبود تاچهرسد به گفتن ولی دوره این ضعف شدید که در سخنوری ظاهر آمد چندان بطول نینجامید .

در عهد نادر شاه و کریمخان زند با مساعی قابل تمجید میرسید علی مشتاق . هاتف . آذر . صهبا . نیازی . رفیق . صباحی . عاشق . شیدا شعر فارسی از اسلوب ناخوش هندی خارج و بشیوه متقدمین بازگشت .

نصیرآباد - نام چهارقریه در اصفهان و کاشان و خراسان و بآب و جرقویه میباشد .

اصلی میرزا طاهر مؤلف این تذکره از نصیرآباد اصفهان بوده و برخی نام این قریه را باشتباه نصیر آباد ذکر نموده اند این قریه در عهد صفویه بسیار مصفا و خوش آب و هوا و معمور بوده است .

با آنکه صاحبان تذکر بعد از نصیرآبادی از این کتاب استفاده بسیار برده اند معذالک شرح حال ویرا که خود شاعر است قوی مایه بسیار مختصر یاد کرده و تنها تذکر نام و نقل بیتی از اشعارش اکتفا نموده اند لذا ما در اینجا بیشتر مأخذ نگارش شرح حال او را آنچه که خود در خاتمه کتاب و تذکره خود مرقوم داشته قرار میدهیم .

میرزا طاهر در سال ۱۰۲۷ بنا بقول خود که گوید - « والد کمینه که از کمالات صوری و معنوی بهره مند بود و در ظاهر و باطن کمال شکستگی و خاکساری داشته بسبب بریشانی احوال باحوال فقیر موافق دلخواه نتوانست رسید تا در شهور سنه ۱۰۴۴ رخت بسرای ارم کشید در آن وقت مرا هفده مرحله از عمر طی شده بود » - در نصیرآباد متولد شده و بنا بر این در آغاز تألیف کتاب که سال ۱۰۸۳ میباشد پنجاه و شش ساله بوده است اجداد وی کلیه از اعظم بوده اند چنانکه جداعلای اوخواجه صدرالدین علی در زمان سلطان محمد گورکان حاکم اصفهان بوده و نزد آن پادشاه نهایت اعتبار را داشته و یکی از بنی اعمامش در عهد شاه عباس

بزرگ انارالله برهانه وزیر یزد و دیکری وزیر لاهیجان و نیز در زمان سلطنت شاه عباس ثانی یکی مستوفی قزوین و یکی مستوفی لاهیجان بوده است و غالباً اقوام وی بطوریکه در خاتمه کتاب احوال هر یک مسطور است اهل فضل و دانش و از شعر و شاعری دارای بهره کافی بوده اند و با آنکه شرح حال اقوام خود را نگاشته هیچ جا در طی شرح حال خود و مواضع دیگر نام والد خود را ذکر نکرده از این رونام پدرش بر ما معلوم نیست.

میرزا طاهر را در آغاز جوانی که ایام رعونت و غفلت است روزگار بلاطایل و حرکات باطل میگدشته چنانکه گوید: (هر نفس آینه زینه را از زنگ غفلت مکدر داشتم و عین الحیوة شناسائی را باخس و خاشاک حرکات ناشایسته می انباشتم دهقان هوس بمزرع دل تخم بیحاصلی میفشانید و باغبان هوا در زمین خاطر بیوسته نهال ناراستی می نشانید بری که برداشتهام ندامت و ثمری که چیدهام خجالت تا ادیب گوش دل را مالش و بمفتاح شناسائی باب توفیق بروی خاطر ام گشاد) - سپس از جمیع مناهای تائب شده از غلط نهادن کج اندیش کناره بسته در حلقه درست کیشان راست آیین در آمده در قهوه خانه نصرآباد رحل اقامت افکنده در آن ایام قهوه خانه ها محل اجتماع اهل فضل و دانش و انجمن شعرا بوده است و چون از شعر و شاعری بهره و در این فن ذوقی داشته لذا صحبت افاضل و شعرارا راغب و از این رو درک صحبت اغلب از مشاهیر این طبقه را نموده و از صحبتشان مستفص شده رفته رفته دزموازنه معانی ابیات سنجیده و تحلیل معنیات پیچیده تصرفش بجا و فکرش رسا بود بطوریکه خود گوید «تصورم را در مراتب نظم و نثر تصدیق میکردند بسبب مراعات آداب در مجلس اصحاب مانند جدول حاشیه نشین بودم اما شاهد بزمشانرا از من زینت میافزود گاهی مصرعی موزون مینمودم و زمانی طریقی انشاء می نمودم و اصلاح صاحبان

کمال زیور قبول می یافت .»

تا آنکه فضایل وی بحدی رسید که تقد سخنش در نظم و نثر مطبوع علامه زمان آقا حسین خوانساری اعلی الله مقامه گردید و آننگاه آغاز سفر نموده بشرف زیارت روضه منور امام ثامن مشرف گردیده بعد از آن سفری بهحجاز رفته وبشرف زیارت کعبه معظمه فایز گشته سپس بجناب وطن مراجعت نموده است امور معاش وی ازجوکاری مزارعی که در نصرآباد داشته میگذشته است اما بسبب استعمال افیون پیوسته بیچاره و پریشان خاطر بوده و هر چند خدمت دولت را مشتاق بود معذک اورا در دفتر خانه منصبی میسرانگشت لیکن نزد امراء و مقربان پادشاه بغایت محترم و معزز بوده و بنا بقول او شاه سلیمان هرگاه بچمن نصرآباد میرفته بسرای وی مسکن میگزیده و تواریخی که او منظوم نموده و بسمع پادشاه رسیده مورد تحسین واقع گردیده است و از تواریخ وی این منظومه را که تاریخ اتمام عمارت هشت بهشت اصفهان میباشد و در آن ابراز قدرت طبع کرده و بسبب اشتهال بر ماده تاریخهای بسیار در اشعار قدما کمتر سابقه دارد برای نمونه در اینجا نقل می نمائیم .

مثنوی

بود در سایه اش مه تا بماهی	زهی دولتسرای پادشاهی
که از جامش بود آینه در دست	بود زیبا عروسی شوخ و سرمست
دل خود میخورد زین آرزو ماه	شود تا حلقه اش بر روی در گاه
ز چشم حور آوردند دوده	بسی نقش و نگاران ستوده
شده شبنم بروی گل نمودار	ز آب دست نقاشان گل گار
بود مد نظر تیر هوایی	گه نظاره اش از نا رسائی
بشکر شاه دایم تر زبانست	نه قواره است کمانرا در میانست

شده فواره شمع خلوت او
گل او شد خمیر از آب حیوان
دوام گردش افلاک از آن است
خیالم شرق دولت را رقم کرد
مکان عشرتی بیروی اغیار
مکان شاه دین پرور سلیمان
بدیهه قطعه خلد برین گفت
بساط مصلحت با خویشان چید
که از هر مصرعش تاریخ پیداست

رسیده تا بهیسی رفعت او
برد طالارش از طوسی بسامان
ستوانش تکیه گاه آسمان است
بتاریخش قلم قد را علم کرد
بتاریخ دگر دل کرد تکرار
بتجدیدش شد اینمصرع بسامان
ز فیض شاه دیگر گوهری سفت
باین در همتم راضی نکردید
ز خاطر این رباعی ها مهیاست

رباعی

شد بانی این مسکن بهجت پیوند
دروی جای پادشه دولتمند

چون شاه سلیمان شه اقبال بلند
از جشن و نشاط و کامکاری داریم

ایضاً

گر دید زمین اصفهان تاج خنان
پاینده عمارت از سلیمان زمان

از قصر بلند قدر زیبا ارکان
در گاه عبادت این بود ورد ملک

چون چندی در نصر آباد بسر برده و هریک از یاران وی بدرود
زندگی گفته اند و دوری آنان براو ناگوار و سخت بوده ناچار به لبنان
اصفهان عزیمت و در مسجد آنجا رحل اقامت افکنده و روزگار بسر برده
و این تذکره را در آنجا تألیف نموده است .

تاریخ وفات وی مجهولست اما بطوریکه از قراین معلوم میباشد تا
اواخر سلطنت شاه سلیمان یعنی تا آغاز مائه دوازدهم مسلماً حیات داشته .
میرزا طاهر را فرزندی بوده که بدیع الزمان نام داشته و او نیز در
قنون شاعری ماهر و از وی آیات بسیار در این تذکره نقل شده است .